

سیاست همسایگی اروپا و تأثیر آن بر توسعه سیاسی جمهوری مولداوی

رکسانا نیکنامی^۱

استادیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۵/۱۷)

چکیده

مولداوی مرز شرقی میان اتحادیه اروپا و جهان خارج است و همین مسئله، سبب اهمیت ژئوپلیتیک این کشور کوچک شده است. همکاری میان اتحادیه اروپا و مولداوی پس از استقلال این کشور آغاز شد. مولداوی از ۲۰۰۹ خود را به تبعیت از استانداردهای اتحادیه اروپا متعهد کرد. این تبعیت، در قالب سیاست همسایگی اروپا و طرح مشارکت شرقی متبلور شد. پیوند میان دو بازیگر با انعقاد موافقت‌نامه همکاری به اوج خود رسید. ذیل این سیاست‌ها، مولداوی دست به اصلاحات اساسی در ساختار نهادی خود زد تا بتواند به سطح استانداردهای اروپایی نزدیک شود. در واقع، سیاست همسایگی اروپا در پی راهی برای تحریک انگیزه کشورهای عضو در جهت همگرایی با اروپاست. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش است که اجرای سیاست همسایگی اروپا و به‌طور مشخص طرح مشارکت شرقی، چه تأثیری بر وضعیت توسعه سیاسی در این کشور داشته است. در پاسخ می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که سیاست همسایگی اروپا در قالب اصل مشروط بودن و اصل جامعه‌پذیری، سبب اعمال فشارهایی در جهت اجرای اصلاحات سیاسی در مولداوی شده است؛ اما تأثیر توسعه‌ای این سیاست‌ها سطحی و غیرفراگیر بوده است. برای آزمون این فرضیه از نظریه اروپایی شدن فرانک شیملفنینگ استفاده شده است. نظریه اروپایی شدن، ابزاری به‌منظور درک تغییرات داخلی مولداوی و روند توسعه آن است.

واژگان کلیدی

اتحادیه اروپا، اروپایی شدن، توسعه سیاسی، جامعه‌پذیری، سیاست همسایگی اروپا، طرح مشارکت شرقی، مشروط بودن.

Email: niknami.roxana@ut.ac.ir

۱. نویسنده مسئول

این مقاله از نتایج اجرای یک طرح پژوهشی، مصوب مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران است که با حمایت مالی این مرکز اجرا شده است.

۱. مقدمه

مولداوی کشوری با موقعیت ژئوپلیتیک مهم است که دو قدرت جهانی روسیه و اتحادیه اروپا را به هم متصل می‌کند. این کشور از غرب با رومانی و از سایر جهت‌ها با اوکراین همسایه است. مولداوی کشوری به نسبت آزاد است؛ جایی که در آن، رقابت سیاسی در بستر ساختار ضعیف دولتی، احزاب سیاسی شکننده و فساد صورت می‌پذیرد. زمانی که مولداوی به استقلال رسید، گسترش منازعه ترانسنیستریا^۱ جلوی اصلاح ساختاری و نهادی کشور را گرفت. احزاب سیاسی نیز فاقد ظرفیت نهادی کافی بودند، در نتیجه فرایند ملت‌سازی دچار اختلال شد.

جمهوری خودمختار مولداوی از ۱۹۳۴ به‌عنوان بخشی از اوکراین شکل گرفت. این کشور در ۱۹۹۰ استقلال خود را اعلام کرد (کولای، ۱۳۹۲: ۳۲۱). مولداوی در سال‌های اولیه استقلال به عضویت سازمان ملل درآمد، در ۱۹۹۶ عضو شورای اروپا شد و در ۲۰۰۱ به سازمان تجارت جهانی پیوست و با اینکه قدرت در دست حزب کمونیست بود، به تقویت رابطه خود با اروپا پرداخت. پس از آن موافقت‌نامه‌های دو و چندجانبه فراوانی با اتحادیه اروپا امضا کرد. در ۱۹۹۸، یک موافقت‌نامه همکاری میان طرفین به امضا رسید. ولادیمیر ورنون^۲ رئیس‌جمهور مولداوی و رهبر حزب کمونیست، با اینکه تمایل خود به اروپا را علنی کرد، اما در پی حفظ موازنه میان روسیه و اتحادیه اروپا بود.

از پایان دهه ۱۹۹۰ جهت‌گیری این کشور به سوی اتحادیه اروپا معطوف شد و با گسترش مرزهای ناتو و اتحادیه اروپا به سوی شرق، ضرورت توجه به آن تقویت شد. در همان حال، روابط با روسیه نیز مهم بود. پس از ۲۰۰۵ روند نزدیکی به اروپا سرعت یافت. نتایج انتخابات پارلمانی در این کشور، متغیر مهمی در این زمینه بود. رهبران مولداوی برای اجرایی کردن دگرگونی‌های موردنظر اروپا، با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو شدند (کولای، ۱۳۹۶: ۳۳۱).

در بررسی رابطه میان این دو بازیگر، باید توجه داشت که روابط طرفین براساس ساختارهای اروپایی به پیش رفته است. این کشور از ۲۰۰۴ عضو سیاست همسایگی اروپا^۳ شد. در ۲۰۰۹ ائتلاف برای همگرایی اروپا^۴ به رهبری ولاد فیلات^۵ قدرت را در دست گرفت و از این سال تمایل مولداوی به غرب بیشتر شد. در همین سال بود که مولداوی در کنار گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، بلاروس و اوکراین، وارد سیاست مشارکت شرقی^۶ شد. تأکید

1. Transnistria

2. Vladimir Vornin

3. ENP: European Neighborhood Policy

4. AEI. متشکل از احزاب لیبرال دموکرات، حزب دموکراتیک مولداوی و لیبرال.

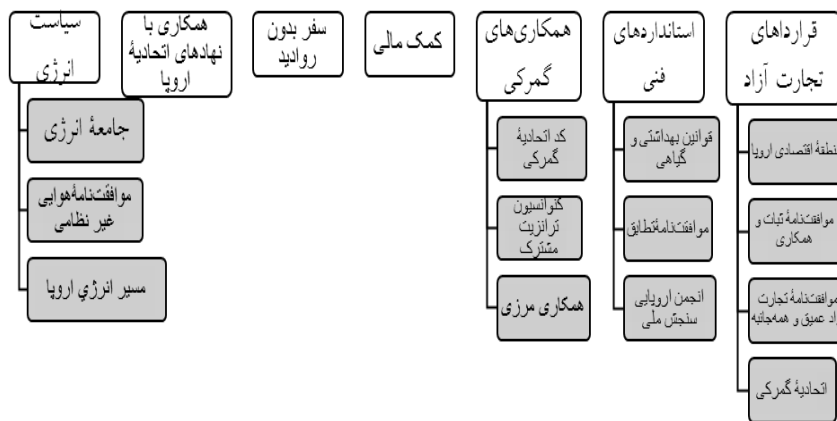
5. Vlad Filat

6. EaP: Eastern Partnership

کمیسیون اروپا بر اجرای برنامه‌های بوروکراتیک با هدف افزایش نفوذ اصلاح‌طلبان اروپامحور در مولداوی، بر مبنای تجارت آزاد و ارزش‌های اروپایی پیش رفت. به نظر می‌رسد با این روابط تنگاتنگ، مولداوی به‌طور کامل با استانداردهای اروپایی منطبق شده باشد؛ اما واقعیت چنین نیست.

ارزیابی پیشرفت مولداوی در قالب سیاست همسایگی اروپا و به‌ویژه مشارکت شرقی، نشان می‌دهد که مولداوی از تمامی کشورهای دیگر حاضر در این سیاست، در اجرای ارزش‌های اروپایی موفق‌تر بوده است. دلیل انتخاب این کشور برای مطالعه نیز همین است. در نتیجه، این کشور پادشاه‌های زیادی از اتحادیه اروپا دریافت کرده است. سیاست همسایگی اروپا مشتمل بر طرحی جامع است که در تصویر زیر می‌توان مشاهده کرد.

شکل ۱. طراحی سیاست همسایگی اروپا



منبع: Emerson, 2019:10

با وجود اصلاحات اروپامحور در مولداوی، این شاخص‌ها به‌طور موفقیت‌آمیزی اجرا نشده‌اند. دلایل متعددی برای محدود بودن اثر این شاخص‌ها وجود دارد که مهم‌ترین آنها، نوع رژیم سیاسی مولداوی و فضای بی‌ثبات آن از یک سو و کارشکنی روسیه از سوی دیگر است. بی‌شک سیاست همسایگی اروپا در معرض انتقادهای جدی قرار دارد. برخی به‌دلیل شرایط متزلزل اتحادیه اروپا معتقدند که سیاست همسایگی اروپا و به‌طور مشخص مشارکت شرقی شکست خورده است. اما فراتر از این انتقادات، مهم است که سطح انتظار از سیاست مشارکت شرقی را مشخص کنیم. پژوهش حاضر این فرضیه را می‌آزماید که سیاست همسایگی اروپا در قالب اصل مشروط بودن و اصل جامعه‌پذیری، سبب اعمال فشارهایی در جهت اجرای اصلاحات اقتصادی و سیاسی در مولداوی شده است؛ اما تأثیر توسعه‌ای این سیاست‌ها سطحی

و غیرفراگیر بوده است. برای آزمون این فرضیه از نظریه اروپایی شدن^۱ فرانک شیملفنینگ^۲ استفاده شده است.

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری این نوشتار برگرفته از نظریه اروپایی شدن شیملفنینگ است. اروپایی شدن نظریه جدیدی نیست، بلکه رویکردی است که امکان هماهنگی مفاهیم موجود، برای انجام پژوهش در علوم سیاسی را در اختیار ما قرار می‌دهد. بنابراین این نظریه، فرایندمحور است، نه نتیجه‌محور. تعاریف متعددی برای اروپایی شدن ارائه شده است. ردیلی^۳ یکی از تعریف‌های شناخته‌شده را ارائه کرده است. طبق تعریف وی، اروپایی شدن، مجموعه‌ای از فرایندهای ساخت، برساخت و نهادینه کردن قواعد رسمی و غیررسمی، روندها، پارادایم‌ها و شیوه‌های انجام امور است. در این مسیر، عقاید و هنجارهای مشترکی که نخستین‌بار از سوی اتحادیه اروپا تعریف شده‌اند، وارد گفتمان‌های داخلی، هویتی، ساختارهای سیاسی و تصمیم‌گیری کشورها می‌شوند (Radaelli, 2000: 3).

وینک و گرازیانو^۴ نیز تعریف مهم دیگری را ارائه کردند که پذیرش بیشتری یافت و در آن آن اروپایی شدن به‌مثابه فرایند پذیرش داخلی همگرایی اروپایی معنا شد (Graziano & Vink, 2013: 32). اروپایی شدن، منتج از تغییرهای داخلی در نظریه همگرایی است. ادبیات مربوط به اروپایی شدن بر انگاره کاربست ترجیح‌های اتحادیه اروپا در سطح داخلی تأکید دارد و برخلاف سایر نظریه‌های همگرایی بر منابع دولتی و داخلی تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا و نتایج آن بر نهادها و سیاست‌های این سازمان تأکید می‌کند. فرایند همگرایی اروپایی، نقش مهمی در دموکراتیزه کردن کشورهای پسا شوروی ایفا کرده است. مدل لیبرال‌دموکرات اروپا الگوی موفق‌تری برای این کشورها بوده است. بنابراین دموکراتیزه کردن و اروپایی شدن به‌مثابه پذیرش داخلی فرایند همگرایی اروپایی نگریسته می‌شود (Timus, 2010: 1). مولداوی نیز مثل سایر کشورهای اروپای شرقی، در قالب فرایند همگرایی اروپایی از دهه ۱۹۹۰ به‌سوی توسعه حرکت کرد.

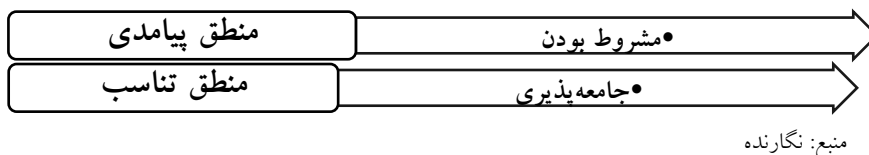
این جهت‌دهی نهادی، سبب ایجاد فشارهایی در سطح ملی شد. درجه فشارهای انطباقی^۵ منتج از اروپایی شدن، به میزان تناسب یا عدم تناسب میان نهادهای اروپایی و ابزارهای داخلی وابسته است. هرچه میزان انطباق کمتر باشد، میزان فشارها افزایش می‌یابد و این سبب

-
1. Europeanization
 2. Frank Schimmelfenning
 3. Radaelli
 4. Vink & Graziano
 5. Adaptational Pressures

تغییرهای داخلی در سطح ملی کشور هدف می‌شود (Graziano & Vink, 2013: 41). در شرایطی که سطح فشارها بالا باشد، وجود متغیرهای میانجی برای تغییر الزامی است. این متغیرها شامل امتیاز وتوی چندگانه، نهادهای رسمی میانجی، فرهنگ سیاسی، سطح توانمندی بازیگران و فرایند یادگیری است (Graziano & Vink, 2013: 41). در قالب سیاست همسایگی اروپا، اروپایی شدن، مربوط به توانایی اتحادیه اروپا برای اعمال فشار هنجاری، در جهت توسعه کشور هدف است.

از دید شیملفنینگ، اروپایی شدن با دو منطق به پیش برده می‌شود؛ منطق پیامدی^۱ که نتیجه مستقیم آن مشروط بودن و نتیجه غیرمستقیم آن خارجی‌سازی است و منطق تناسب^۲ که نتیجه مستقیم آن جامعه‌پذیری و نتیجه غیرمستقیم آن تقلید است (Schimmelfennig & Sedelmeier, 2005: 66). شیملفنینگ توضیح می‌دهد که در منطق پیامدی، وابسته به اندازه و اعتبار پاداش و مجازات وضع شده توسط نهاد هنجاری و امتیاز حق وتو و هزینه‌های انطباق در داخل کشور است (Schimmelfennig, 2012: 8). در مقابل در منطق تناسب، بازیگران برای هنجارها و قواعد جامعه تحریک می‌شوند و مدل نظری سازه‌انگاره‌ای شکل می‌گیرد که فراتر از چانه‌زنی می‌رود. براساس این منطق، بازیگران با قوانین متناسب با رفتار نمونه به پیش رانده می‌شوند (Börzel & Risse, 2009: 10). در نتیجه، در این پژوهش با پیامدهای مستقیم هر دو منطق سروکار داریم.

شکل ۲. الگوی استنتاجی اولیه



مشروط بودن را می‌توان یک مدل چانه‌زنی عقلانی دانست که زمانی کاربرد دارد که شروط، دائمی و معتبرند و هزینه‌های انطباق پایین است. در چارچوب مشروط بودن، اتحادیه اروپا شرایطی را برای کشورها وضع می‌کند که مبادله‌ها به‌عنوان پاداش تلقی می‌شوند. مشروط بودن یک مدل چانه‌زنی انتخاب عقلانی است و حداکثر رساندن سود بازیگران را دنبال می‌کند. در این مدل، نتیجه تغییر راهبردی میان بازیگران، مشروط به قدرت چانه‌زنی آنهاست. در واقع، اینجا نوعی تقارن قدرت میان بازیگر خارجی و کشور هدف، شکل می‌گیرد (Schimmelfennig,

1. Logic of Consequentiality
2. Logic of Appropriateness

4: 2012). در سیاست همسایگی، مشروط بودن، خود را در لباس تمایز نشان می‌دهد؛ یعنی سود اروپایی شدن سبب پذیرش استانداردها می‌شود و این تمایز، مبتنی بر تعهد آنها به ارزش‌های مشترک است. مهم‌ترین شاخص‌های مشروط بودن عبارت‌اند از موافقت‌نامه‌های دوجانبه، کمک‌های اتحادیه اروپا، رژیم تجاری و لغو روادید.

جامعه‌پذیری را می‌توان بر مبنای رویکرد سازه‌انگاره تبیین کرد. این منطق، زمانی مطرح می‌شود که پذیرش هنجارهای اروپایی به دلیل تناسب آن است. این فرایند بلندمدت، مبتنی بر اندرکنش مداوم میان نخبگان سیاسی جامعه هدف و مردم، برای پذیرش ارزش‌ها و استانداردهای اروپایی است. در جریان جامعه‌پذیری، هویت‌سازی در سطح فراملی، سبب پیوند احساسی می‌شود که می‌تواند با منافع آمیخته شود. این تعهد جدید، نخبگان را به سوی حمایت از نظام نهادی و نقش‌تشویق می‌کند. تأکید بر این فن‌سالاری فراملی و عمل‌گرایی، سبب تضعیف نقش عناصر ملی غیرمنعطف می‌شود (Grunhut, 2017: 159). در این چارچوب، اتحادیه اروپا مایل به ارتقای ایده‌های اروپایی، ارزش‌ها و هنجارها از طریق تشویق کشورها به اجرای آنهاست. جامعه‌پذیری در اتحادیه اروپا به صورت سلسله‌مراتبی رخ می‌دهد. در مدل نظری شیملفنینگ، ابزار جامعه‌پذیری عبارت‌اند از: نقش‌آفرینی، تعقیب هنجاری و نفوذ اجتماعی (Schimmelfennig, 2005: 7).

- نقش‌آفرینی را تقلید^۱ یا شبیه‌سازی نیز می‌نامند. جامعه‌پذیری به تقلید از رفتار طرف مقابل منجر می‌شود و در واقع این رفتارها به‌عنوان یک الگو عمل می‌کنند (Checkel, 2005: 811).

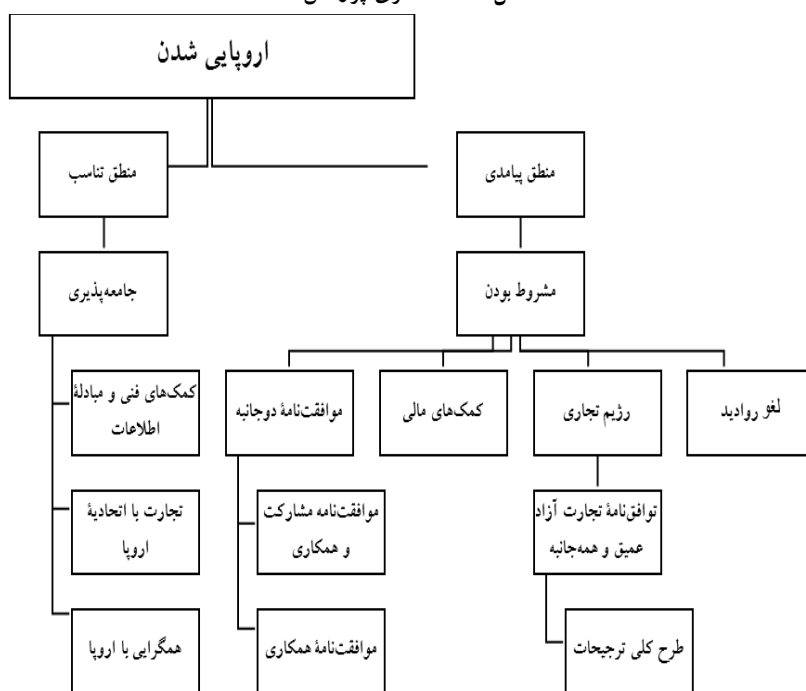
- در تعقیب هنجاری که استدلال یا اقناع^۲ نیز نامیده می‌شود، هنجارها درونی می‌شوند.
- در نهایت منظور از نفوذ اجتماعی نیز استفاده از پاداش‌های اجتماعی (منزلت) و مجازات (انزوا) است.

سازوکار غالب جامعه‌پذیری در سیاست همسایگی اروپا، تعقیب هنجاری و نفوذ اجتماعی است. اتحادیه اروپا شرکای خود را هنگام مذاکره قانع می‌کند تا هنجارهای اروپایی را بپذیرند. در واقع، در سیاست همسایگی، اتحادیه اروپا به همکاری با شرکای خود برای توسعه داخلی آنها می‌پردازد. در این مسیر، پیشنهاد پاداش‌هایی چون همگرایی اقتصادی با اروپا، بهبود وضعیت رفاه، کمک مالی و فنی و... را می‌دهد. اتحادیه اروپا انتظار دارد که کشورهای همسایه به ازای پاداش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از استانداردهای او تبعیت کنند و بدین‌منظور هر دو سازوکار مشروط بودن و جامعه‌پذیری را به کار می‌بندد. در مولداوی، بارها به‌وسیله

1. Imitation or Emulation
2. Argumentation or Persuasion

موافقت‌نامه مشارکت و همکاری^۱، موافقت‌نامه همکاری^۲ و موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه^۳ از این سازوکار استفاده شده است. در عین حال، اتحادیه به‌دنبال نفوذ بر مولداوی از طریق ارزیابی عملکرد آن به‌واسطه گزارش‌ها، تحسین عملکرد مثبت و محکوم کردن عملکرد منفی است. در همین زمینه کمیسیون اروپا سالانه گزارش‌هایی را در مورد میزان پیشرفت تمامی کشورهای حاضر در این سیاست و از جمله مولداوی منتشر می‌کند. این گزارش‌ها دارای سه بخش سیاسی، اقتصادی و حقوقی است (Vassileva, 2016: 6). مهم‌ترین شاخص‌های جامعه‌پذیری از دید شیملفننیک عبارت‌اند از: کمک‌های فنی و مبادله اطلاعات^۴، همکاری‌های نهادی، تجارت با اتحادیه اروپا و همگرایی با اتحادیه اروپا (Schimmelfennig & Scholtz, 2010: 445). از مجموع آنچه ذکر شد، برای طراحی مدل نظری پژوهش و آزمون فرضیه می‌توان گراف زیر را ترسیم کرد.

شکل ۳. مدل نظری پژوهش



منبع: نگارنده

1. PCA: Partnership & Cooperation Agreement
2. AA: Association Agreement
3. DCFTA: Deep & Comprehensive Free Trade Agreement
4. TAIEX: Technical Assistance & Information Exchange

۳. ساختارهای پایه جمهوری مولداوی

به دلیل ناشناخته بودن بحث‌های مربوط به مولداوی در ایران، ابتدا شمه‌ای از ویژگی‌ها و ساختارهای این کشور توضیح داده می‌شود و بعد به مبحث اصلی می‌پردازیم. وقتی نام اروپای شرقی می‌آید، ناخودآگاه همه چیز تحت‌الشعاع میراث شوروی قرار می‌گیرد؛ گویی پیش از شوروی، اروپای شرقی در کره خاکی وجود نداشته است. حتی اکنون که قریب به ۳۰ سال از دوران شوروی می‌گذرد، تغییری در این رویکرد به وجود نیامده است. مولداوی نیز از این قانون کلی، مستثنا نیست. این در حالی است که تک‌تک کشورهای این منطقه، دارای هویت و تاریخ کهن و البته ماقبل شوروی و مستقل از آن هستند.

نام تاریخی مولداوی، بسارابیا^۱ بود. منطقه بسارابیا، از شرق به رودخانه دنیستر^۲ و از غرب به رودخانه پروت^۳ محدود می‌شد. از دیدگاه امنوئل دومارتن، استاد دانشگاه سوربن، مسئله هویت‌یابی در مولداوی به دوره بسارابیا باز می‌گردد (King, 1999: 8). مولداوی از قرن چهاردهم به بعد، به صورت مداوم میان امپراتوری‌های مختلف دست به دست شد. این کشور در سال‌های ۱۸۱۲-۱۵۳۸ تحت تصرف امپراتوری عثمانی بود و در ۱۸۱۲ ضمیمه خاک روسیه تزاری شد. در ۱۹۱۸ و با تولد رومانی، به این کشور ملحق شد. این در حالی بود که قسمت کوچکی از آن در اوکراین امروزی و ترانسینیستریا، تحت حاکمیت شوروی قرار گرفتند. در پی قرارداد مولوتف-ریبن تروپ در ۱۹۳۹، میان شوروی و آلمان نازی، شوروی توانست منطقه بسارابیا را به‌عنوان پاداش به چنگ آورد. در نتیجه، جمهوری خلق سوسیالیستی مولداوی تأسیس شد. غیر از مولداوی، سرنوشت لتونی، لیتوانی و استونی نیز در این معاهده رقم خورد. پس از جنگ جهانی دوم، ساختار قومی مولداوی، تغییر کرد. قومیت رومانی‌تبار که بیشتر از طبقه بالا و متوسط جامعه بودند، به رومانی بازگشتند و مهاجران زیادی از سایر جمهوری‌های شوروی به‌عنوان کارگر وارد مولداوی شدند (VanSeeters, 2010: 31).

در زمان گورباچف که مولداوی خواهان استقلال از شوروی شد، دو منطقه ترانسینیستریا و گاگانوزیا^۴ مخالفت کردند. پس از سقوط شوروی در ۱۹۹۱، اعلامیه استقلال مولداوی صادر شد. بسیاری می‌پنداشتند که مولداوی به صورت خودکار به رومانی ملحق خواهد شد؛ اما هیچ‌گاه چنین نشد. قانون اساسی این کشور در ۱۹۹۴ تصویب شد و از ۲۰۰۰ به نظام دموکراسی پارلمانی تغییر ماهیت داد. منازعه میان کیشناو^۵ و منطقه جدایی‌طلب ترانسینیستریا در ۱۹۹۲ آغاز شد. از این تاریخ به بعد، مولداوی به دو پاره (جمهوری مولداوی و منطقه خودگردان

1. Bessarabia
2. Dniester
3. Prut
4. Gagauzia
5. Chişinău

ترانسنیستریا) تقسیم شد. در روند توسعه سیاسی این کشور شکاف سه‌گانه قومی کیشناو-ترانسنیستریا-گاگائوزیا را نمی‌توان نادیده گرفت.

منطقه گاگائوزیا، متشکل از ترک‌تبارهای مسیحی ارتدوکس است. آنها به زبان ترکی اوغوزی صحبت می‌کنند. این منطقه در ۱۹۹۴ تأسیس شد. گرایش آنها بیشتر به سوی روسیه است تا اتحادیه اروپا. تنش‌هایی میان حکومت مرکزی و منطقه خودمختار گاگائوزیا وجود دارد که علت اصلی آن فقدان شفافیت در روابط است. در فوریه ۲۰۱۴ یک همه‌پرسی در مورد گرایش‌های سیاست خارجی مولداوی در این منطقه برگزار شد که اکثریت به نفع همگرایی با روسیه رأی دادند (Secieru, 2014: 5). البته کیشناو این همه‌پرسی را غیرقانونی خواند. کیشناو برای تضعیف منطقه تلاش می‌کند مشکلات سیاسی و اقتصادی آن را بزرگ‌تر از آنچه هست، جلوه دهد. حتی اتحادیه اروپا نیز به‌عنوان مهم‌ترین شریک تجاری این منطقه، سعی در کاهش تنش دارد. ترانسنیستریا، دیگر معمای سیاسی این کشور است که هنوز حل نشده باقی مانده است. به‌طور کلی می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های این کشور را در جدول ۱ خلاصه کرد:

جدول ۱. ویژگی‌های کلی جمهوری مولداوی

شاخص	ویژگی کلی
جمعیت	۳/۵۵۰ میلیون نفر
زبان	۷۹ درصد رومانیایی و ۱۵ درصد روسی
قومیت	۷۵ درصد مولداویایی، ۷ درصد رومانیایی، ۷ درصد اوکراینی، ۵ درصد گاگائوز، ۴ درصد روس و ۲ درصد بلغار
مذهب	۹۰ درصد مسیحیت ارتدوکس و ۳ درصد سایر شاخه‌های مسیحیت
تولید ناخالص داخلی	۱۱.۴ میلیارد دلار
کالاهای صادراتی	ماشین‌آلات برقی، دانه‌های روغنی، حیوانات و آبجو

منبع: (CRS, 2019: 3)

به لحاظ ساختار اقتصادی، مولداوی فقیرترین کشور اروپایی است. این کشور دارای آب و هوای مناسب و کشاورزی غنی است؛ اما معادن اندکی دارد. در نتیجه اقتصاد به‌شدت به کشاورزی وابسته است. در برنامه‌ای که حکومت مولداوی از نقشه صنعتی کشور ارائه کرد؛ اولویت‌های اقتصادی مناطق مختلف در جدول ۲ تعریف شد. به‌طور کلی گذشته مولداوی سبب شده است که این کشور در تنگنای اقتصادی و سیاسی مهیبی گرفتار شود. روسیه روابط گسترده‌ای با تجار و سیاستمداران این کشور دارد و به اهرم‌هایی مانند تحریم تجاری، بسیج عمومی و انحصار دوفاکتو در عرصه انرژی مجهز است (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016: 21). به همین دلیل، هرگونه موفقیت راهبردی اتحادیه اروپا، وابسته به توانایی‌اش برای

متنوع‌سازی واکنش در برابر مناطق مختلف قاره است. برای مثال، اتحادیه اروپا در بخش انرژی باید از تاکتیک‌های صبر راهبردی بهره ببرد و نه اینکه به دنبال اروپایی شدن سریع بر مبنای شروط متعدد باشد. نوآوری‌هایی مانند راه‌اندازی سیستم‌های زیست‌توده و زمین‌گرمایی می‌تواند به کاهش نفوذ روسیه منجر شود.

جدول ۲. اولویت‌های اقتصادی مولداوی برحسب مناطق

منطقه	اولویت اقتصادی
شمال	سیمان، تجهیزات الکترونیکی، سیم
مرکز	صنایع چوب، نساجی، دارو و سیمان
جنوب	کشاورزی و صنایع غذایی، تولید گاز
گاگانوزیا	کشاورزی، پتروشیمی، شیشه‌سازی و تولید گاز
کیشناو	کاغذسازی، مواد شیمیایی، ماشین‌آلات، مبلمان، خدمات تجاری و بازاریابی

منبع: (EC, 2018d: 6)

حال با در نظر گرفتن تمامی این ملاحظه‌ها در مورد مولداوی، وارد بحث اصلی مقاله می‌شویم.

۴. مشروط بودن

همان‌طور که اشاره شد، سیاست همسایگی اروپا، بحث‌های مربوط به مشروط بودن را به‌عنوان یک ابزار اصلاحی و موتور محرکه تغییر در مولداوی مطرح می‌کند. سیاست مشروط بودن اتحادیه اروپا برای مولداوی از شعار «بیشتر برای بیشتر و کمتر برای کمتر» تبعیت می‌کند؛ یعنی سازوکار پاداش و مجازات در آن بسیار محسوس است. برای مثال، اتحادیه اروپا حمایت مالی خود از مولداوی را پس از امضای موافقت‌نامه همکاری افزایش داد، اما هر جا مولداوی از اجرای استانداردها عدول کرد، اتحادیه اروپا نیز عقب کشید. همان‌طور که اشاره شد، مهم‌ترین شاخص‌های مشروط بودن از دید شیملفننیک عبارت‌اند از: موافقت‌نامه‌های دوجانبه، کمک‌های اتحادیه اروپا، رژیم تجاری و لغو روادید.

الف) موافقت‌نامه‌های دوجانبه: شیملفننیک معتقد است که انواع مختلف موافقت‌نامه‌های دوجانبه، روابط میان اتحادیه اروپا و دولت سوم را مدیریت و سطوح مختلفی از اعتبار را در این کشورها منعکس می‌کند (Schimmelfennig & Scholtz, 2010: 448). تمامی این موافقت‌نامه‌ها مشروط به اجرای اصلاحات از سوی مولداوی هستند. بر همین اساس، می‌توان از موافقت‌نامه مشارکت و همکاری و موافقت‌نامه همکاری نام برد. موافقت‌نامه مشارکت و همکاری در

۱۹۹۴ امضا شد و در ۲۰۱۶ به اتمام رسید. شروع این موافقت‌نامه در قالب سیاست همسایگی نبود؛ اما ادامه حیات آن در خلال آن معنا یافت و بازنگری شد (Wolfswenger, 2019). اولویت‌های اصلی شناسایی شده در موافقت‌نامه مشارکت و همکاری عبارت بود از تلاش برای حل منازعه ترانسنیستریا، تقویت نهادهای دموکراتیک، تضمین آزادی رسانه‌ها، تقویت نظام حقوقی، مدیریت مرزی مؤثر و مدیریت مهاجرت از مولداوی به اتحادیه اروپا (VanSeeters, 2010: 49). به عبارتی، این توافق دربردارنده قوانین مبتنی بر احترام به حاکمیت قانون و دموکراتیزه کردن بود. اما شاخص‌های اجرایی آن بسیار مبهم و بیشتر تحت تأثیر موج دموکراتیزه‌سازی پساشوروی در ۲۰۰۰ قرار داشت (DelMedico, 2014: 21) تا در نهایت، تدقیق آن در موافقت‌نامه همکاری صورت پذیرفت.

اتحادیه اروپا و مولداوی در ۲۰۱۴ یک موافقت‌نامه همکاری گسترده را با یکدیگر به امضا رساندند. این موافقت‌نامه از جولای ۲۰۱۶ پس از سررسید تاریخ موافقت‌نامه مشارکت و همکاری، اجرایی شد. با امضای این توافق، مولداوی متعهد به اصلاح سیاست‌های داخلی خود بر مبنای قوانین اتحادیه اروپا شد. نقشه راه برای اجرای موافقت‌نامه در آگوست ۲۰۱۷ امضا شد که سیزده اولویت اصلی را در برمی‌گرفت (Damen, 2019). این موافقت‌نامه دربردارنده حمایت افقی از جامعه مدنی، ارتباطات مشترک و ظرفیت‌سازی نهادی است. براساس این سند، اتحادیه اروپا از مولداوی در رسیدن به اهداف مندرج با مبادله اطلاعات، حمایت از توسعه اقتصادی، کمک مالی و نهادسازی حمایت خواهد کرد. همچنین عناصر سیاسی مانند گفت‌وگوهای سیاسی، استقلال نهاد قضا، نظارت بر حقوق بشر، حل منازعه صلح‌آمیز و همکاری‌های بخشی نیز مورد تأکید قرار گرفت (Morari, 2016: 417). اتحادیه اروپا شروط زیادی برای بهره‌مندی مولداوی از امکانات این موافقت‌نامه گذاشته است. شورای اروپا از ۲۰۱۶ درخواست اصلاحاتی را از جمهوری مولداوی کرد که به معنای قرار دادن شرط‌های بیشتر بر این کشور بود. این شرایط جدید عبارت بودند از:

- اعتمادسازی؛
- تسریع اجرای موافقت‌نامه همکاری؛
- اولویت دادن به اصلاحاتی که هدفشان بهبود ساختار اداری و افزایش شفافیت سیاسی و نظام بانکی است (Gromadzki, 2015: 6).

ب) کمک‌های اتحادیه اروپا: در قالب ابزارهای همسایگی اروپا یک برنامه تأمین مالی، ویژه مولداوی برای سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۴ تدوین شد. برای مثال اتحادیه اروپا در ۲۰۱۷، مبلغ ۵۶ میلیون یورو را به پروژه‌هایی مانند حمایت از توانمندسازی شهروندان برای مشارکت محلی و تصمیم‌گیری اختصاص داد (Wolfswenger, 2019). حمایت از مولداوی با ابزارهای

سیاست همسایگی، کمک ۴۱۰ میلیون یورویی برای بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۱۴ را نیز شامل می‌شود. کمک مالی اتحادیه اروپا در حوزه کشاورزی نیز در طرحی کلان، با عنوان «برنامه نهادسازی جامع^۱» تدوین شده است. در این برنامه حدود ۴۱ میلیون یورو در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۱ به این بخش اختصاص داده شد (Brown, 2015: 18). اروپا این کمک‌ها را برای جلب نظر کشاورزان آسیب‌دیده از تحریم‌های روسیه اختصاص داد. اتحادیه اروپا برای برنامه تماس‌های مردمی نیز مبلغ سی میلیون یورو اختصاص داده است (Brown, 2015: 28).

برنامه جدید اتحادیه اروپا برای ۲۰۲۰-۲۰۱۷ نیز به مقدار ۲۸۴ میلیون یورو تصویب شد که ناظر بر اصلاحاتی در بخش‌های مربوط به توسعه و گشایش بازار، تقویت نهادها و حکمرانی خوب، انرژی کارا و تغییر اقلیم بود (Damen, 2019). یکی دیگر از کمک‌هایی که کمیسیون اروپا برای مولداوی تصویب کرد، کمک‌های مالی کلان^۲ بود. نخستین قسط این کمک‌ها در جولای ۲۰۱۸ به این کشور اعطا شد؛ اما پس از بحران سیاسی در کیشناو، ادامه آن بلوکه شد (Damen, 2019)؛ اما از ۲۰۱۹ پرداخت آن مجدد از سر گرفته شد. در بسته مالی ۲۰۱۹، ۴۲/۴ میلیون یورو به حوزه انرژی، جامعه مدنی و راه‌اندازی شهر کاهول^۳ اختصاص داده شد (EC, 2020).

تاکنون بانک سرمایه‌گذاری اروپا^۴ در چهارده پروژه به ارزش ۵۵۷/۵۵۰ میلیون دلار در این کشور مشارکت کرده است (Chirila, 2015: 57). همکاری مولداوی با این نهاد از ۲۰۰۷ آغاز شد. این بانک در زیرساخت جاده‌ها، امنیت انرژی و صنعت شراب مولداوی سرمایه‌گذاری کرده است. در ۲۰۱۹ بانک سرمایه‌گذاری اروپا ۲۵ میلیون یورو وام برای حمایت از پروژه‌های مربوط به راهبرد مدیریت پسماند در مولداوی اختصاص داد (EIB, 2020).

ح) رژیم تجاری: موافقت‌نامه همکاری در جولای ۲۰۱۶ به ایجاد منطقه آزاد تجاری منجر شد، یعنی موافقت‌نامه همکاری، حاوی موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه است که برای همکاری سیاسی بیشتر و همگرایی اقتصادی میان اتحادیه اروپا و مولداوی تدوین شده است. رژیم تجاری حاکم میان طرفین را همین موافقت‌نامه تعیین می‌کند. در شکل ۴ می‌توان مبنای چهارگانه این سیاست را مشاهده کرد.

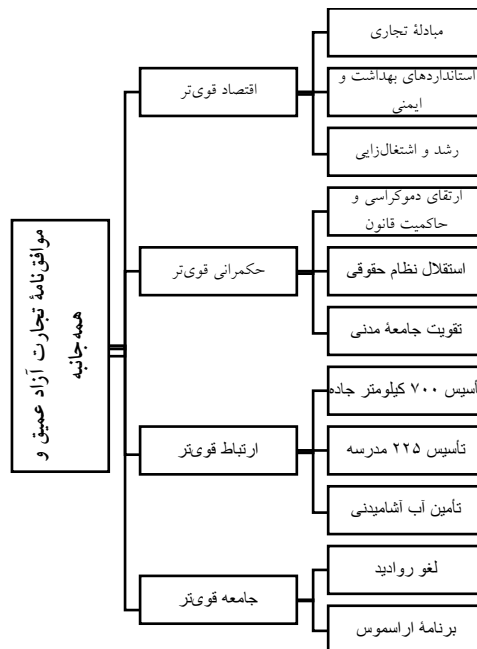
1. CIB: Comprehensive Institution Building Programme

2. MFA: Macro-Financial Assistance

3. Cahul

4. EIB: European Investment Bank

شکل ۴. مبنای موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه



منبع: Facts&Figures, 2020

انعقاد این موافقت‌نامه تا حد زیادی به نفع صنایع کفش، فناوری اطلاعات و نساجی بوده است (Brown, 2015:19). البته ناگفته نماند که اجرای این رژیم تجاری در داخل مولداوی نیز مخالفانی داشته است. برای مثال، احزاب پاتریا، سوسیالیست و کمونیست در انتخابات ۲۰۱۴، پویشی برضد آن به راه انداختند (Brown, 2015: 19). این موافقت‌نامه در بلندمدت به رشد ۵/۴ درصدی در تولید ناخالص داخلی مولداوی منجر شده است (Morari, 2016: 416). این رژیم تجاری سبب آزادسازی تجارت کالا و خدمات، استانداردهای بهداشتی، برداشتن موانع مرزی و انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد ضمیمه‌ای با ترکیه شد. در صورت اجرای کامل این رژیم تجاری تا ۲۰۲۶ تولید ناخالص داخلی مولداوی ۷/۶ درصد افزایش خواهد یافت. اگر مولداوی قادر به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری در قالب آن شود، تأثیر این رشد به ۹/۸ درصد خواهد رسید (WorldBank, 2020: 7).

ناگفته نماند با اینکه جذب سرمایه در بخش تجاری اولویت اصلی اتحادیه اروپاست، جذب در صنایع پایین‌دستی و خدمات نیز بسیار مهم است. مولداوی، پیشرفت‌هایی در

اصلاحات اقتصادی برای انطباق با شروط اتحادیه اروپا داشته است. برای مثال، حرکت آزادانه کالا، قوانین فنی، گمرکی، استانداردهای بهداشتی و گیاهی و قوانین مربوط به شرکت‌ها بهبود یافته است؛ اما فضای سرمایه‌گذاری در این کشور همچنان نامطلوب است. فصل چهارم از موافقت‌نامه همکاری به توسعه اقتصادی مولداوی اختصاص دارد. مهم‌ترین پیشران‌ها در این عرصه توجه بر حوزه‌های فنی از طریق اصلاح نظام مالیاتی و خدمات مالی و حسابرسی از یک سو و رسیدگی به وضعیت فقر (با توجه به اینکه ۲۶ درصد مردم فقیرند) از سوی دیگر است. سی درصد از بودجه ابزارهای سیاست همسایگی به توسعه روستایی اختصاص داده شده است. در این زمینه، مولداوی دستورالعمل ملی کشاورزی و توسعه روستایی را تدوین کرد (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016: 11).

در مورد بخش انرژی نیز این کشور در ۲۰۱۴ از طریق خط لوله یاس-اونگن^۱ به لحاظ فیزیکی به بازار انرژی اروپا متصل شد، هرچند این کار اثری بر کنترل انحصار روسیه در بازار انرژی این کشور نداشت. با اینکه مولداوی از ۲۰۱۰ عضو جامعه انرژی اروپا شد؛ اما پس از اعمال فشار روسیه بر سر بدهی ترانسینستریا به گازپروم، اجرای کامل سومین بسته انرژی اروپا تا ۲۰۲۰ به تأخیر افتاد (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016: 11). افزون بر این، اتحادیه اروپا متعهد به حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط مولداوی شده است. در می ۲۰۱۵، در مجمع کسب‌وکار مشارکت شرقی در ریگا، کمیسیون اروپا، امکانات موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را مشخص کرد. بودجه حمایتی اتحادیه ۲۰۰ میلیون یورو بود.

د) لغو روادید: اشتغال در اروپا، همواره برای مولداویایی‌ها گزینه جذابی بود و اتحادیه اروپا به‌خوبی از این جذابیت بهره گرفت. در ۲۰۱۲، پس از تصویب قانونی که به شهروندان مولداوی امکان دریافت روادید رومانیایی را می‌داد، حدود ۴۰۰۰۰ نفر توانستند شهروندی مضاعف دریافت کنند (DelMedico, 2014: 26). مولداوی در آوریل ۲۰۱۴ موافقت‌نامه لغو روادید با اتحادیه اروپا امضا کرد که هدف آن تسهیل رفت‌وآمد، سفر، فعالیت‌های اقتصادی، شبکه‌سازی و رابطه مردم با مردم بود. پس از آن، تماس‌های سطح بالا میان اتحادیه اروپا و مولداوی افزایش یافت (Fontana, 2015: 2). مولداوی نخستین کشوری بود که در قالب طرح مشارکت شرقی از این امتیاز بهره برد. تعداد مسافرت‌های هوایی فرودگاه کیشناو نیز از ۸۰۰۰۰۰ نفر در ۲۰۰۹ به ۱/۷۰۰ میلیون نفر در ۲۰۱۵ رسید (Popescu, 2015: 1).

بر مبنای این سیاست، اجازه سفر بدون نیاز به روادید به مقصد منطقه شنگن برای تمامی شهروندان مولداوی فراهم شد. در نتیجه شهروندان مولداوی اکنون می‌توانند هر شش ماه به

مدت سه ماه در منطقه شنگن حضور داشته باشند (Morari, 2016: 416). این سیاست سبب وسعت دید مردم مولداوی شد. آنها گشایش مرزهای اروپا را به معنای فرصت شغلی و تحصیلی بیشتر می‌بینند. شایان ذکر است که پیدا کردن شغل مناسب حتی با داشتن تحصیلات و هوش بالا در مولداوی دشوار است.

۵. جامعه‌پذیری

از دید شیملفنینگ، جامعه‌پذیری به‌مثابه قوت‌یابی مجدد اجرای مشروط بودن یا گسترش نهادینه ارزش‌ها تعریف می‌شود (Sasse, 2008: 304). او معتقد است برخلاف منطق سنتی، اتحادیه اروپا به‌عنوان یک سازمان، مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری است. اهداف جامعه‌پذیری با هویت جمعی و ارزش‌های اروپایی آمیخته است. مهم‌ترین شاخص‌های جامعه‌پذیری از دید او عبارت‌اند از: کمک فنی و مبادله اطلاعات، تجارت و همگرایی با اتحادیه اروپا.

الف) کمک‌های فنی و مبادله اطلاعات: یکی از بحران‌های جدی سیاسی در مولداوی، منازعه ترانسنیستریا است. اتحادیه اروپا به‌عنوان عضو مذاکرات ۲+۵ در روند حل این منازعه وارد شد. مهم‌ترین کمک فنی و اطلاعاتی اتحادیه اروپا در قالب مأموریت کمک‌مرزی اتحادیه اروپا^۱ برای مدیریت مرزی مشترک میان مولداوی و اوکراین بود. مأموریت کمک‌مرزی برای بستن ورودی ثروت به ترانسنیستریا طراحی شد. در این عملیات هم کمیسیون و هم شورای اروپا دخیل بودند. در پی درخواست مشترک مولداوی و اوکراین مبنی بر کمک و آموزش نیروهای مرزبان، اتحادیه اروپا ابتکار عمل را در دست گرفت. بیش از بیست دولت عضو اتحادیه اروپا در این مأموریت مشارکت داشتند (Huff, 2011: 19). در همکاری‌های علمی و فناوری نیز پیشرفت زیادی صورت گرفته است. مهم‌ترین پروژه در این زمینه، مشارکت شرقی پلاس^۲ است. آلمان و ایتالیا مهم‌ترین کشورهای همکار مولداوی در این حوزه هستند (Dorogi, David, & Kardon, 2019: 4).

به‌طور تخصصی‌تر، کمیسیون اروپا برنامه‌های کمک فنی و مبادله اطلاعات را اجرا می‌کند. این برنامه‌ها حول سه محور برگزاری کارگاه آموزشی، مأموریت مستشاری و بازدید علمی می‌چرخد. کارمندان دولت، تجار، اعضای مجلس و دانشگاهیان هدف این برنامه هستند (EC, 2020a). مهم‌ترین مصادیق آن عبارت‌اند از:

- کارگاه‌های آموزشی: شامل کارگاه تأسیس و ارتقای کنترل داخلی و جلوگیری از شرایط مصنوعی توسعه روستایی (۲۰۱۹)، کارگاه آموزش یکپارچگی سیستم مدیریت و

1. EUBAM: EU Border Assistance Mission
2. Eastern Partnership Plus

کنترل، پیشگیری از کلاهبرداری و تعارض منافع (۲۰۱۶) و کارگاه آماده‌سازی برنامه توسعه راهبردی (۲۰۱۶).

- بازدید علمی: ظرفیت‌سنجی تولیدکنندگان ایتالیایی (۲۰۱۸).
- مأموریت مستشاری: حل مناقشه‌های مداوم اداری در بخش کشاورزی (۲۰۱۷)، کنترل نقطه‌ای (۲۰۱۶) و ظرفیت‌سازی نهادی (۲۰۱۳) (AIPA, 2020).

ب) تجارت با اتحادیه اروپا: پس از اعمال تحریم روسیه، روابط میان مولداوی و اتحادیه اروپا گسترش یافت. موافقت‌نامه تجارت آزاد سبب دستیابی تولیدکنندگان به بازار اتحادیه اروپا شد. در عین حال، آزادسازی واردات به افزایش رقابت در بازار داخلی منجر شد. اما به لحاظ رشد اقتصادی، سیاست همسایگی اروپا تأثیر مطلوبی داشته است. میزان تولید ناخالص داخلی مولداوی در ۲۰۱۸، حدود ۱۱/۳۱ میلیارد دلار بود. این رشد را می‌توان در جدول ۳ مشاهده کرد.

جدول ۳. تولید ناخالص داخلی مولداوی به میلیارد دلار، ۲۰۱۶-۲۰۲۰

سال	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
تولید ناخالص داخلی	۸/۰۷	۹/۶۷	۱۱/۳۱	۱۲	۱۱/۶۸

منبع: (TradingEconomics, 2020a)

کل صادرات مولداوی در ۲۰۱۸، ۲۶۶/۶ میلیون دلار و در ۲۰۱۹، ۲۱۸/۳ میلیون دلار بود. آمار بیانگر کاهش دو درصدی در صادرات این کشور است. واردات این کشور نیز ۵۳۹/۷ میلیون دلار است. واردات در ۲۰۱۹، رشد ۳/۹ درصدی داشته است. مشخص است که تراز تجاری این کشور منفی بوده و دارای کسری ۳۲۱/۴ میلیون دلاری است (CEIC, 2020). وجود این پس از برقراری رژیم تجاری اروپایی، صادرات بخش نساجی افزایش داشته است. سایر صادرات مولداوی شامل میوه، سبزیجات، آبجو، ماشین‌های برقی و دانه‌های روغنی است. مهم‌ترین مقصد صادرات کالاهای مولداویایی، رومانی، ایتالیا، اوکراین و انگلیس است. در کل ۶۷/۴۸ درصد از صادرات مولداوی وارد اتحادیه اروپا می‌شود (UN, 2020). ۴۳/۴۴ درصد از کل واردات مولداوی نیز از اتحادیه اروپاست. مهم‌ترین واردات این کشور شامل نخ، دارو، اتومبیل و ماشین‌آلات است (Trading Economics, 2020). در جدول ۴ می‌توان تراز تجاری مولداوی-اتحادیه اروپا را پیش از شروع سیاست همسایگی و پس از اجرای موافقت‌نامه تجارت آزاد مشاهده کرد.

همان‌طور که مشخص است، در اینجا با وجود افزایش حجم روابط، تراز تجاری مولداوی همچنان منفی است. منطقه صفر تجاری به صادرات بدون تعرفه و روان شدن سیل کالاهای

اروپایی به مولداوی منجر شده است؛ اما بازارهای محلی ضعیف شدند و سبب کاهش سود آنها و فروپاشی اقتصاد محلی شد. واکنش مسکو را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. روسیه بلافاصله به تحریم مولداوی دست زد. مولداوی ساختار کشاورزی دارد. شهرت جهانی مولداوی به دلیل تاکستان‌های مرکز و جنوب کشور است. روسیه، شراب مولداوی را از ۲۰۰۶ تحریم کرده است و تنها بهانه‌اش رعایت نکردن استانداردهای بهداشتی بود. این مسئله تأثیر نامطلوب بر تراز تجاری مولداوی گذاشت. محصور بودن این کشور در خشکی نیز بر وضعیت تجاری آن اثر نامطلوب داشته است. به هر حال بیش از شصت درصد صادرات مولداوی به سوی اتحادیه اروپا می‌رود و تنها هشت درصد آن وارد روسیه می‌شود (Wolfswenger, 2019). مشکل دیگر تجارت مولداوی، کمبود نقدینگی بانک‌هاست. عواملی چون تصمیم بانک مرکزی مبنی بر تحت کنترل درآوردن بانک‌های تجاری^۱ و اجرای سیاست‌های صندوق بین الملل پول در این موضوع دخیل بودند (Fontana, 2015: 3).

جدول ۴. مقایسه موازنه تجاری مولداوی-اتحادیه اروپا، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۶

موازنه		صادرات		واردات		سال
۲۰۱۶	۲۰۰۶	۲۰۱۶	۲۰۰۶	۲۰۱۶	۲۰۰۶	
-۵۷۸	۵۴۱-	۱۲۰۵	۴۲۶	۱۷۸۳	۹۶۷	تراز تجاری

منبع: (Eurostat, 2020)

ج) میزان همگرایی با اتحادیه اروپا: همکاری اتحادیه اروپا و مولداوی در چارچوب سیاست همسایگی اروپا و سیاست مشارکت شرقی، در جهت تقریب و همگرایی بیشتر میان طرفین اجرا شده است. حکومت، دو راه برای نزدیک شدن به اتحادیه اروپا دارد: نخست تأکید بر همکاری نهادهای دولتی و حزبی با اتحادیه اروپا و دوم اتخاذ موضع ژئوپلیتیک از سوی حکومت، مبنی بر مؤلفه‌های هویتی و جغرافیایی اروپایی مولداوی (Gerasymchuk, 2018: 10). تأکید بر نظام آموزشی از مصادیق مهم تقریب به اروپاست. در واقع، همگرایی با اتحادیه اروپا منبع مهم نوسازی نظام آموزشی و اجتماعی مولداوی است. از ۲۰۱۲، مولداوی به اصلاح گسترده دست زد و برنامه جدیدی به نام تاب‌آوری صفر^۲ را آغاز کرد. در این برنامه مبارزه با فساد آموزشی انجام گرفت و نیمی از دانش‌آموزان در مرحله اول امتحانات پایان ترم مردود شدند. این نتیجه، شوک بزرگی برای جامعه مولداوی بود؛ اما جلوی ادامه تحصیل متقلبان را

۱. سی درصد کل نقدینگی بانک‌ها در سه بانک تجاری Banca de Economii, Banca Sociala, Uni Bank است.

2. Zero Tolerance

گرفت. گام دیگر در این حوزه، الکترونیکی کردن فرایند اداری آموزش و خروج آن از دست مدارس بود (Popescu, 2015: 2).

در موافقت‌نامه همکاری برای جامعه‌پذیری بر مبنای تقریب و همگرایی با اتحادیه اروپا بر همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد نیز تأکید شده است. فعال‌ترین این سازمان‌ها عبارت‌اند از: آینده^۱، مؤسسه سیاست عمومی، مرکز تماس، بنیاد اروپای شرقی مولداوی، انجمن سیاست خارجی، انجمن مطبوعات مستقل، جوانان مولداوی و پرومو^۲. همین‌طور بستر ملی مولداوی^۳ در مجمع جامعه مدنی مشارکت شرقی نیز نوآوری‌هایی برای افزایش همکاری با اتحادیه اروپا انجام داده است. این بستر، در راستای گسترش ارزش‌های اروپایی، کارزاری برای آموزش امتیازات موافقت‌نامه همکاری به مردم ایجاد کرده است (Chirila, 2015: 48).

۶. تأثیر مشروط بودن و جامعه‌پذیری بر توسعه سیاسی مولداوی

تأثیر دو شرط بررسی شده بر توسعه، به وجود تقارن قدرت وابسته است. تقارن قدرت، پدیده ثابتی نیست. در فرایند اروپایی شدن مولداوی، تقارن قدرت اتفاق نیفتاد و همین مسیر یکطرفه سبب شد تا اصلاحات و فشارهای انطباقی تنها به‌نوعی توسعه نیمه‌کاره در این کشور بینجامد. در خصوص استانداردهای سیاسی و اقتصادی معیار کپنهاگ، امتیاز مولداوی در میان شش کشور حاضر در سیاست مشارکت شرقی پس از گرجستان و پیش از اوکراین قرار دارد، زیرا در حوزه دموکراسی کمترین امتیاز را بین سه کشوری که موافقت‌نامه تجارت آزاد را امضا کرده‌اند، به‌دست آورده است. مولداوی در استانداردهای حقوق بشر، بالاترین امتیاز را دارد. در مورد حاکمیت قانون و مبارزه با فساد مقام دوم و در حوزه آزادی اقتصادی بالاترین رتبه را دارد (Kaisa-Bennett, 2012: 67). جایگاه مولداوی در شاخص‌های توسعه سیاسی منتشرشده توسط خانه آزادی را می‌توان در جدول ۵ مشاهده کرد.

جدول ۵. شاخص‌های توسعه سیاسی مولداوی در ۲۰۱۹

امتیاز	حقوق سیاسی	فرایند انتخابات	تکثر سیاسی	کارکرد حکومت	آزادی مدنی	حقوق انجمن‌ها	حقوق فردی	حاکمیت قانون
کل	۴۰	۱۲	۱۶	۱۲	۶۰	۸	۱۶	۱۲
مولداوی	۲۴	۹	۱۱	۴	۳۴	۱۲	۹	۶

منبع: (Freedom House, 2020)

1. IDIS Viitorul
2. Promo
3. National Platform of Moldova

نمره مولداوی در فرایند انتخاباتی^۱ و در کارکرد حکومت چهار است. یکی از ویژگی‌های نظام سیاسی در مولداوی، بی‌ثباتی حکومت‌هاست. استانداردهای اروپایی نیز نتوانسته است این وضعیت را بهتر کند. پس از انقلاب توتیتری در ۲۰۰۹، این کشور چندقطبی شد. در این سال، احزاب طرفدار اروپا برای نخستین‌بار قدرت را در دست گرفتند. اما به محض اینکه دولت آماده اجرای اصلاحات اروپامحور شد، بن‌بست‌های سیاسی و ناتوانی برای رسیدگی به موضوع‌هایی مانند فساد و رکود اقتصادی اجرای آن را به تأخیر انداخت. در نتیجه، در انتخابات نوامبر، این احزاب بیشتر مورد حمله قرار گرفتند (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016: 6). پس از پیروزی مجدد احزاب اروپاگرا، به دلیل فساد و سوءمدیریت اوضاع پیچیده‌تر شد. در نتیجه، در ۲۰۱۵ حدود ۴۰۰۰۰ نفر بر ضد فساد نظام‌مند دست به اعتراض زدند و خواهان استعفای حکومت و محاکمه الیگارشی حاکم شدند.

هرچند حزب سوسیالیست در انتخابات ۲۰۱۴ بیشترین آرا را به دست آورد، اما ترکیب حکومت بارها تغییر کرد و سبب بی‌ثباتی سیاسی در کشور شد. با اینکه نوک پیکان حمله‌ها به سوی ولاد فیلات نشانه رفته بود، اما در انتخابات ۲۰۱۶ بار دیگر اروپاگراها زمام امور را در دست گرفتند. پس از آرام شدن وضع در ۲۰۱۷، قانون جدیدی تصویب شد که نظام انتخاباتی را از حداکثر تناسبی به ترکیبی تغییر داد تا بتوانند مشکل را حل کنند، اما این راه نیز مؤثر نبود. چهار حزب اصلی مولداوی یعنی سوسیالیست، دموکراتیک، آکوم^۲ و سور^۳ در انتخابات پارلمانی فوریه ۲۰۱۹ بیشترین آرا را به خود اختصاص دادند؛ اما پس از انتخابات نتوانستند در مورد تشکیل کابینه به توافق برسند و این مقدمه بحران سیاسی در مولداوی بود که در نهایت با فراز و نشیب‌های فراوان، ایگور دودون^۳ به ریاست جمهوری این کشور رسید (Wolfswenger, 2019). این کشور دچار فساد، سوء مدیریت و اختلاس‌های متعدد است و به کمک نهادهای اروپایی برای مواجهه با این وضعیت امید بسته است.

مشروط بودن در حوزه‌های سیاسی سیاست همسایگی، گاهی جنبه ضدتوسعه‌ای به خود گرفته است. چون ناکارآمدی سیاست‌های متخذه از سوی حکومت مولداوی و انعطاف‌ناپذیری اتحادیه اروپا برای پذیرش عضویت مولداوی در اتحادیه، سبب از بین رفتن اعتماد مردم مولداوی به این نهاد شده است (Morari, 2016: 421). اتحادیه اروپا مشوق تکثرگرایی است و از این نظر نیز امتیاز مولداوی خوب است؛ اما روی دیگر سکه چندقطبی شدن فضای سیاسی و اجتماعی است. با وجود وسعت و جمعیت اندک، مولداوی کشور پیچیده‌ای است. گروه‌های قومی مختلف با هویت‌ها و ترجیح‌های ایدئولوژیک متنوع در کنار هم زندگی می‌کنند. احزاب

1. ACUM

2. SOR

3. Igor Dodon

راست افراطی و راست مرکزی مدافع همگرایی با اروپا و احزاب چپ، همگی مخالف آن هستند. درحالی که نیمی از شهروندان از اتحادیه اروپا حمایت می‌کنند، نیمی دیگر با آن مخالفاند. در نظرسنجی ۲۰۱۹ در مورد اتحادیه اروپا، نگاه ۵۵ درصد به آن مثبت، ۱۰ درصد منفی و ۳۳ درصد بی طرف بود. نتایج این نظرسنجی را می‌توان در جدول ۶ مشاهده کرد.

جدول ۶. نتایج نظرسنجی در مورد اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶-۲۰۱۹

بی نظر	۲۰۱۹			۲۰۱۸			۲۰۱۷			۲۰۱۶			روابط اتحادیه اروپا و مولداوی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
	بد	خوب	بی نظر	بد	خوب	بی نظر	بد	خوب	بی نظر	بد	خوب	بی نظر	
۵٪	۲۷٪	۶۸٪	۷٪	۱۹٪	۷۴٪	۷٪	۲۵٪	۶۸٪	۹٪	۲۴٪	۶۷٪	۵۲٪	تصورتان از اتحادیه اروپا چیست؟
۱۰٪	۳۳٪	۵۵٪	۱۴٪	۳۴٪	۴۸٪	۱۷٪	۳۹٪	۴۲٪	۱۷٪	۳۰٪	۵۲٪	۴۵٪	برنامه‌های اتحادیه اروپا چه قدر مفید بوده‌اند؟

منبع: (Opinion Survey, 2019)

با وجود این نابسامانی‌ها، سطح کلی آزادی سیاسی در مولداوی به نسبت، بهبود پیدا کرده است. رسانه‌ها از سطح خوبی از آزادی برخوردارند. اما نگرانی‌ها در مورد وضعیت شفافیت و استقلال رسانه‌ها وجود دارد (Popescu, 2015: 1). با اینکه گروه‌های طرفدار محیط زیست افزایش یافته‌اند و همکاری میان مقامات دولتی و نهادهای جامعه مدنی رو به پیشرفت است، اما جامعه مدنی مولداوی هنوز هم ضعیف است. نخستین اساسنامه جامعه مدنی در می ۲۰۱۶ تصویب شد که حدود پنج درصد از بودجه ابزارهای همسایگی را به خود اختصاص داد. این اساسنامه، شامل تقویت آزادی رسانه و حقوق بشر می‌شد. برای تقویت آزادی رسانه، مولداوی چند قانون تصویب کرد. هرچند طبق گزارش‌ها سطح آزادی رسانه در مولداوی بالاتر از سطح منطقه است، اما مالکیت رسانه در دست سیاست‌مداران و تجار است و در نتیجه از نظر شفافیت در مورد آن شبهه وجود دارد (Fontana, 2015: 3). پس از امضای موافقت‌نامه همکاری، سازمان‌های غیرحکومتی شروع به همکاری برای نگارش پیش‌نویس قانون آزادی رسانه کردند. مسئله آزادی رسانه‌ها در ماده ۱۲ موافقت‌نامه همکاری قید شده است. در مجموع، رسانه مستقل، قلب تپنده دموکراسی است و این قلب در مولداوی بیمار است.

در حقوق انجمن‌ها وضعیت مولداوی خوب است، اما در آزادی مدنی وضعیت خوبی ندارد. با همه اینها رابطه متقابل جامعه مدنی با نهادهای اتحادیه اروپا و به‌ویژه پارلمان اروپا هر روز قوی‌تر شده است. در حالی که حکومت تحت فشار اروپا برای آزادسازی جامعه بود، جامعه مدنی فعالیت خود را افزایش داد (Gerasymchuk, 2018: 7). بیداری اذهان عمومی در مولداوی در اثر گسترش روابط با اتحادیه اروپا را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. شکل جدیدی از رابطه میان مقام‌ها و مردم طبق استانداردهای اروپایی در سال‌های اخیر رخ داده است. برنامه «عدالت و حقیقت»^۱ در مولداوی در ۲۰۱۵ تصویب شد. این برنامه مثال خوبی برای تأثیر سیاست همسایگی اروپاست (Gromadzki & Sendhardt, 2015: 15). طبقه حاکم در مولداوی می‌داند که دیگر نمی‌تواند جامعه را نادیده بگیرد، زیرا این کنش سبب واکنش‌های اعتراضی خواهد شد؛ مثل آنچه در ۲۰۱۵ در کیشناو شاهد آن بودیم. با وجود قطبی بودن جامعه، اکثریت آن به اروپا گرایش دارند. حتی در تصاویر اعتراض‌های کیشناو، مردم پرچم اتحادیه اروپا را حمل می‌کردند.

در مورد حقوق بشر نیز اصلاح سیستم پلیسی مبنی بر ممنوعیت شکنجه و رفتار خشونت آمیز با متهم و نظارت بر گروه‌های آسیب‌پذیر چون کودکان، زنان، زندانیان و اقلیت‌ها مورد توجه قرار گرفت (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016: 12). چند مسئله سبب ایجاد نگرانی در مورد وضعیت حقوق بشر در این کشور شده است. دستگاه اطلاعاتی مولداوی ۶ سپتامبر ۲۰۱۸ بدون هیچ مدرکی، هفت معلم ترکیه‌ای را به جرم تهدید بر ضد امنیت ملی و ارتباط با گروه‌های اسلام‌گرا دستگیر و سپس از کار اخراج کرد. مورد دیگر سرکوب تجمع‌های ۲۰۱۸ و جشن استقلال مولداوی توسط پلیس بود (Josan & Nofit, 2019: 13).

شاید حادثه‌ترین مسئله توسعه سیاسی مولداوی، سطح بالای فساد است. طبق ماده ۱۶ از موافقت‌نامه همکاری، اتحادیه اروپا و مولداوی باید در مورد مبارزه با فساد فعال و غیرفعال بخش دولتی و خصوصی با هم همکاری کنند. اما به‌ویژه در مورد پرونده ایلان شور^۲، مقاومت‌هایی در مولداوی مشاهده می‌شود. شور متهم به فساد فعال شده است (Josan & Nofit, 2019: 11). منظور از فساد فعال، طبق کنوانسیون مبارزه با فساد مقامات جوامع اروپایی (۱۹۹۷)، هرگونه پیشنهاد یا اعطای امتیاز مادی به یک مقام دولتی در ازای تعهد به انجام یا عدم انجام وظایف رسمی وی است. فساد غیرفعال هم به هرگونه درخواست امتیاز مادی از سوی کارمند دولت یا صاحب‌منصب دولتی در ازای انجام یا عدم انجام وظایف رسمی، اطلاق می‌شود.

1. Justice & Truth
2. Illan Shor

پرونده ولاد فیلات، نمونه‌ای از فساد غیرفعال بود که ناکارآمدی نظام حقوقی مولداوی در مبارزه با پولشویی را نشان داد.

شکست اصلاحات حقوقی ۲۰۱۵-۲۰۱۱ بدان معنا بود که اجرای استراتژی ملی مبارزه با فساد ۲۰۱۷ باید با جدیت بیشتر پیگیری شود. علت شکست اصلاحات این بود که اجرای آن توسط دیوان عالی کشور تصویب نشد. حتی با وجود تغییر سی درصد قضات، گروه اصلی و فاسد همچنان در این نظام باقی ماندند و از داخل شروع به کارشکنی در امر اجرای اصلاحات کردند. بودجه دستگاه قضا در مولداوی تنها یک درصد از بودجه کل است. فقدان پرسنل کافی، تمرکز امور در دست دیوان عالی کشور، تصمیم‌گیری پشت درهای بسته و وجود سلسله‌مراتب غیررسمی میان قضات همه در این وضعیت مؤثر بودند (Josan & Nofit, 2019: 12). طبق شاخص شفافیت بین‌المللی، مولداوی با نمره ۳۲ از ۱۰۰، بین ۱۸۰ کشور در ۲۰۱۹ رتبه ۱۲۰ را به خود اختصاص داده است (Transparency International, 2020).

در مولداوی بسیاری از بخش‌های اقتصادی در انحصار گروهی کوچک است و به همین دلیل قیمت کالاهای مصرفی در این کشور به شکل باورنکردنی بالاست و کیفیت آن به شدت پایین است. این کارتل‌ها در بخش کشاورزی نیز فعال‌اند. آنها بسیاری از قضات را خریده‌اند و شکایت از آنها به جایی نمی‌رسد. آنها حتی به سیاست‌مداران نیز رشوه می‌دهند. در طرح مشارکت شرقی، به لحاظ فضای کسب‌وکار مولداوی با امتیاز ۴۴ پس از اوکراین، آذربایجان و ارمنستان قرار می‌گیرد (Gotisan, 2017: 8). در همین زمینه پارلمان اروپا در ۲۰۱۸ دو قطعنامه بر ضد این کشور صادر کرد و کمیسیون اروپا نیز تصمیم گرفت کمک به مولداوی را متوقف کند (Cenusa, 2019: 5). قدرت اصلی در این کشور حول ولادیمیر پلاخوتنیوک^۱، ثروتمندترین فرد در طبقه حاکم مولداوی و رهبر دوفاکتو حزب دموکراتیک می‌چرخد. او کنترل بخش اعظم نظام حقوقی و سیاسی مولداوی را در دست دارد (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016: 6). هنوز ابزارهای مبارزه با فساد در مولداوی ضعیف است. رسوایی بانکی ۲۰۱۵ در مولداوی بیانگر ناکارایی سیستم مبارزه با فساد در این کشور بود.

۷. نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپا یک نهاد منطقه‌ای است که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد؛ مثل سطح بالای اقتدار فراملی که در کمتر بازیگر دیگری در عرصه جهانی قابل مشاهده است. بر همین اساس، اتحادیه اروپا می‌تواند نقش هادی توسعه را بر عهده گیرد. اتحادیه اروپا در پی آن بود که راهی پیدا کند تا بتواند در قالب استانداردهای اروپایی، سبب گذار کشورهای همسایه شود و در عین

حال به آنها وعده عضویت هم ندهد. راه‌حل در قالب سیاست همسایگی اروپا طراحی شد. کشورها بر مبنای گزینش عقلانی، پرمفعت‌ترین گزینه در دسترس را برمی‌گزینند. بنابراین، بهترین ابزار برای اتحادیه اروپا منطق مشروط بودن و جامعه‌پذیری است. اتحادیه اروپا از مشوق‌های مثبت و منفی در این زمینه بهره برده است. نفوذ اتحادیه اروپا در این زمینه، بر مبنای تنظیم تقاضاست. اروپایی شدن مولداوی از جایگاه جغرافیایی آن و داشتن تاریخ مشترک با رومانی و سنت‌های اروپایی نشأت می‌گیرد.

برای آزمون فرضیه پژوهش براساس نظریه اروپایی شدن شیملفیننگ دو شاخص مشروط بودن و جامعه‌پذیری به‌عنوان سنج سیاست همسایگی در نظر گرفته شد. سپس برای عملیاتی کردن این شاخص‌ها در قسمت مشروط بودن چهار مؤلفه موافقت‌نامه دوجانبه (موافقت‌نامه مشارکت و همکاری و موافقت‌نامه همکاری)، کمک‌های اتحادیه اروپا، رژیم تجاری (موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه) و لغو روادید بررسی شد. در شاخص جامعه‌پذیری نیز مؤلفه‌های عملیاتی کمک‌های فنی و مبادله اطلاعات (مأموریت مرزی اتحادیه اروپا، مأموریت‌های مستشاری، بازدید علمی و کارگاه‌های آموزشی) تبیین شد.

در مرحله بعد به بررسی تأثیر این شاخص‌ها بر متغیر وابسته پرداخته شد. شاخص‌های متغیر وابسته عبارت بود از کارکرد حکومت، فرایند انتخاباتی، تکثر سیاسی، فساد سیاسی، حقوق انجمن‌ها، حقوق بشر و آزادی مدنی. از ارتباط متغیرها مشخص شد که سیاست همسایگی اروپا از طریق مشروط بودن و جامعه‌پذیری بر کارکرد حکومت، فرایند انتخاباتی، فساد سیاسی، آزادی مدنی و حقوق بشر مؤثر نبوده است؛ اما تأثیر مثبتی بر تکثر سیاسی و حقوق انجمن‌ها بر جای گذاشته است.

با بررسی این شاخص‌ها مشخص شد که اجرای منطق مشروط بودن و جامعه‌پذیری در چارچوب اروپایی شدن، به توسعه مولداوی منجر نشده است؛ چون شرایط مولداوی هنوز برای حرکت به سوی جامعه اروپایی فراهم نیست. این کشور هنوز ساختار سلسله‌مراتبی کمونیستی را حفظ کرده است. سیاست همسایگی اروپا خود تأثیر مطلوبی بر جامعه مولداوی داشته است. این تأثیر می‌تواند پایه‌ای برای تقویت روند توسعه سیاسی و اجتماعی در این کشور باشد؛ اما عوامل متعددی چون وجود منازعه‌های فعال، مداخله روسیه، سطح بالای فساد و عدم آمادگی کشور برای پذیرش اصلاحات اجازه این کار را نمی‌دهد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. کولایی، الهه. (۱۳۹۲) سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه. تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
۲. ———. (۱۳۹۶) سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی. تهران: سمت.

(ب) خارجی

3. Brown, Jeffrey Ellison. (2015) *Europeanization Postponed: The Role of Veto Players in Shaping Convergence with the EUs Conflict Resolution & Internal Market Integration Policies in Moldova & Georgia*, MA Thesis in Political Science, the University of North Carolina at Chapel Hill, US. Available at: <https://core.ac.uk/download/pdf/210600634.pdf/>.
4. Börzel, Tanja & Thomas Risse. (2009) *The Transformative Power of Europe: The European Union and the Diffusion of Ideas*. Berlin: KFG Working Papers .
5. CEIC (2020). "Moldova's Total Exports," *Census and Economic Information Center (CEIC)* 3, 14. Available at: <https://www.ceicdata.com/en/indicator/moldova/total-exports/>.
6. Cenusă, Denis. (2019) *EU Policy on Strengthening Resilience in Moldova, Ukraine and Oligarchic Influence*. Brussels: CEPS.
7. Checkel, Jeffrey. (2005) "International Institutions and Socialization in Europe: Introduction and Framework," *International Organization* 59, 4: 801-826.
8. Chirila, Victor. (2015) "A Focus on Moldova," *Eastern Partnership Revisited*, 47-77. Warsaw: Friedrich Ebert Stiftung Institute.
9. CRS. (2019, April 18) "Moldova: An Overview," *Congressional Research Service In Focus*, IF10894. Available at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF10894/9/>.
10. Damen, Mario. (2019) *Three Eastern Partnership Neighbours: Ukrain, Moldova & Belarus*. Available at: <https://www.europarl.europa.eu/factsheets/en/sheet/171/trois-voisins-du-partenariat-oriental-ukraine-moldavie-et-bielorussie/>.
11. DelMedico, Nicola. (2014) *A Black Knoght in the Eastern Neighbourhood? Russia & EU Democracy Promotion in Armania & Moldova*. Bruges: Collage of Europe.
12. Dorogi, Ildiko; Margit David, and Bela Kardon. (2019) *Reports on EU & Eastern Partnership International Cooperation Barometer in Science Technology and Innovation*. Brussels: EAP Plus.
13. EC. (2020) *European Neighbourhood Policy And Enlargement Negotiations*. Available at: https://ec.europa.eu/neighbourhood-enlargement/neighbourhood/countries/moldova_en/.
14. EC. (2020a) *TAIEX*. 5-28. Integrated Administration and Control System, Fraud Prevention and Conflict of Interests within a Paying Agency. Available at: https://ec.europa.eu/neighbourhood-enlargement/neighbourhood/countries/taieux_en/.
15. EC. (2018) *Characterisation of Preliminary Priority Areas for Smart Specialisation in Moldova*. New York: SIRIS.
16. EIB. (2020) *Moldova & The EIB*. 3-9. Available at: <https://www.eib.org/en/projects/regions/eastern-neighbours/moldova/index.htm/>.
17. Emerson, Michael. (2019) *Scenarios for a Wider Europe*. Brussels: CEPS.
18. Eurostat. (2020). *Statics on ENP Countries: East*. Available at: https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/European_Neighbourhood_Policy_countries_-_statistical_overview.
19. Facts & Figuers. (2020) "Facts and figures about EU-Moldova Relations," *EU*. Available at: <https://www.google.com/search?client=firefox-b-d&q=fact+and+figures+about+eu-moldova/>.
20. Fontana, Lole. (2015) *Implementation of the European Neighbourhood Policy in the Republic of Moldova Progress in 2014 & Recommendations for Action*. Brussels: SWD.
21. Freedom House. (2020) *Moldova*. Available at: www.freedomhouse.org/report/freedom-world/2019/moldova/.
22. Gerasymchuk, Sergiy. (2018) *Election 2019 in Moldova: New Challenges & New Opportunities for Cooperation Within Ukraine-Moldova-Romania Triangle*. Kiev: IRF.
23. Gotisan, Lurie. (2017) *EU Association Agreement: Recent Trends*. Vilnius: EESC.
24. Graziano, Paolo; and Maarten Peter Vink. (2013) "Europeanization: Concept, Theory, and Methods," in Simon Bulmer and Christian Lesquine, *The Member States of the European Union*, 31-54. Oxford: Oxford University Press.

25. Gromadzki, Grzegorz. (2015) *The Eastern Partnership After 5 Years: Time for Deep Rethinking*. Luxembourg: European Parliament.
26. Gromadzki, Grzegorz; and Bastian Sendhardt. (2015) "Introduction," in *Eastern Partnership Revisited Institute*, 7-46. Warsaw: Friedrich Ebert Stiftung Institute.
27. Grunhut, Zoltán. (2017) "Concepts, Approaches and Methods on Europeanisation: A Meta-analysis," *Eastern Journal of European Studies* 8, 1: 157-176.
28. Huff, Ariella. (2011) *The Role of EU Defence Policy in The Eastern Neighbourhood*. Paris: ISS.
29. Josan, Stefan and Ludmila Nofit. (2019) "How the Association Agreement Changed EU-Moldova Relation Where is Moldova in the AA/DCFTA Implementation Process and Why," *APE*. Available at: <http://www.ape.md/wp-content/uploads/2019/03/EU-MD-relations.pdf/>.
30. Kaisa-Bennett, Hanna. (2012) *Leverage & Limitations of the EU's Influence in the Eastern Neighbourhood*. London: School of Economy & Political Science.
31. King, Charles. (1999) *The Moldovans: Romania, Russia, and the Politics of Culture*. Stanford: Hoover Institute Press.
32. Montesano, Francesco; Tony Vander Togt and Wouter Zweers. (2016) *The Europeanisation of Moldova is the EU on the Right Track?* Hauge: Clingendae Report.
33. Morari, Cristina. (2016) *EU Role in the Republic of Moldova European Integration Within Eastern Partnership*. Iasi: Alexandru Ioan Cuza University of Iasi, Centre for European Studies.
34. Opinion Survey. (2019) *Opinion Survey 2019: Republic of Moldova*. Available at: https://www.euneighbours.eu/sites/default/files/publications/2019-07/EUNEIGHBOURS%20east_AS2019_Factsheet_MOLDOVA_ENG.pdf/.
35. Popescu, Nicu. (2015) *Moldova's Star: Shining or Falling?* Brussels: EUISS.
36. Radaelli, Claudio M. (2000) "Whither Europeanization? Concept Stretching and Substantive Change," *European Integration Online Papers* 8, 4; 1-28. Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=302761/.
37. Sasse, Gwendolyn. (2008) "The European Neighbourhood Policy: Conditionality Revisited for the EU's Eastern Neighbours," *Europe-Asia Studies* 60, 2: 295-316. doi:10.1080/09668130701820150.
38. Schimmelfennig, Frank. (2012) "Europeanization beyond Europe," *Living Reviews in European Governance* 7, 2; 1-31. doi:10.12942/lreg-2012-1.
39. Schimmelfennig, Frank. (2005, August) "The International Promotion of Political Norms in Eastern Europe: A Qualitative Comparative Analysis." *Jean Monnet/Robert Schuman Paper Series* 5, 28. Available at: <http://aei.pitt.edu/8157/>.
40. Schimmelfennig, Frank and Hanno Scholtz. (2010) "Legacies and Leverage. EU Political Conditionality and Democracy Promotion in Historical Perspective," *Europe-Asia Studies* 62, 3: 443-460. doi:09668131003647820.
41. Schimmelfennig, Frank; and Ulrich Sedelmeier. (2005) *The Europeanization of Central and Eastern Europe*. Ithaca: Cornell University Press.
42. Secrieru, Tanislav. (2014) *Keep The Eyes Wide Open: EU in Moldova*. Bucharest: CRPE.
43. Timus, Natalia. (2010) *Europeanization and Democratization Outside the EU Borders: The Impact of European Democracy Promotion on Party Financing in the East European Neighborhood*. Munster: ECPR .
44. Trading Economics. (2020a) *Moldova GDP*. Available at: <https://tradingeconomics.com/moldova/gdp>.
45. Trading Economics. (2020) *Moldova Imports*. Available at: <https://tradingeconomics.com/moldova/imports>.
46. Transparency International. (2020) *Corruption Perceptions Index*. Available at: <https://www.transparency.org/en/cpi/2019/>.
47. UN. (2020) *Moldova Exports By Country*. Available at: <https://tradingeconomics.com/moldova/exports-by-country/>.
48. VanSeeters, Marieke. (2010) *European Influence in Moldova: The Role of the European Union on Nation-Building in Moldova*. Nijmegen: Radboud University.
49. Vassileva, Vesselina. (2016) *What Can Explain the Varying Progress of Moldova Toward European Integration Over Time?* Brussels: International & European Governance.
50. Wolfswenger, Johann. (2019) *10 Years Eastern Partnership: The EU and Its Strategic Dilemma*. Vienna: Osterreichische Gesellschaft Fur Europapolitik.

-
51. World Bank. (2020) "Is the DCFTA Good for Moldova? Analysis of Moldova's Trade Options Using a Dynamic Computable General Equilibrium Model," *The World Bank*. Available at: <http://documents.worldbank.org/curated/en/281771467991921364/pdf/103996-REPF-Moldova-Trade-Study-Note-2-Is-the-DCFTA-Good-for-Moldova.pdf/>.